







# واکاوی چرایی شکل گیری التهابات اقتصادی اخیر و راهکارهای برون رفت از آن

## محورهای اصلی گزارش

- بررسی وضعیت فعلی اقتصاد ایران
- ریشه‌های شکل گیری آسیب‌های فعلی اقتصاد
- بررسی تصمیمات اقتصادی دولت و نقش آن‌ها در شکل گیری التهابات اقتصادی
- 

## توصیه‌ها

- اجرای سیاست ارزی شناور مدیریت شده
- کاهش وابستگی کشور به دلار
- حمایت از تولید ملی
- افزایش سود سپرده بانکی
- اصلاح نظام بانکی
- راه اندازی دولت الکترونیک و شفافیت تمام اقدامات
- دیپلماسی اقتصادی فعال
- استفاده بهینه از ظرفیت رسانه‌ها
- برخورد سریع و قاطع با مفسدان

## مقدمه

تلاطم‌های اقتصادی کم‌سابقه ماه‌های گذشته آنقدر دامنه‌دار و طولانی شده که باعث نگرانی مسئولان و مردم شده است و برخی از اقتصاددانان اعلام کرده‌اند دولت باید به سرعت این روند را کنترل کند و در غیر این صورت به فروپاشی اقتصاد کشور منجر خواهد شد. رئیس اتاق بازرگانی ایران از جمله این افراد است و معتقد است: «تا کنون کشور فرصت‌های بسیاری برای اصلاح و بهبود از دست داده، به گونه‌ای که نفس‌های اقتصاد به شماره افتاده است، اما همچنان با وجود پتانسیل‌های بالقوه در کشور، هم به لحاظ منابع هم به لحاظ نیروی انسانی و هم به لحاظ موقعیت جغرافیایی معتقد هستیم با تصمیمات به موقع و صحیح، امکان حل بحران‌های فعلی در کشور وجود دارد، اما نه با استفاده از روش‌های ناکارآمد گذشته، بلکه با تغییرات و اصلاح ساختاری جدید که بازیگران اصلی تصمیم‌گیری در آن را افرادی که از صلاحیت حرفه‌ای لازم برخوردار باشند تشکیل دهند.»

همزمانی تحولات اخیر با خروج آمریکا از برجام در اردیبهشت سال جاری و اعلام تحریم‌های یک‌جانبه این کشور علیه ایران باعث شده که در ذهن بسیاری از مردم، تورم گسترده فعلی نتیجه تحریم‌های آمریکا تلقی شود و این ذهنیت شکل بگیرد که اگر آمریکا در برجام می‌ماند و ایران را تحریم نمی‌کرد، امروز ما همان تورم تک رقمی را داشتیم و دلار در کانال سه هزار تومان بود. تقریباً تمام اقتصاددانان و فعالان اقتصادی کشور این فرض را رد می‌کنند و معتقدند حتی اگر تحریمی در کار نبود، ما دیر یا زود با این مشکلات اقتصادی دست به گریبان می‌شدیم. کما اینکه بسیاری از کارشناسان در سال ۹۶ یعنی زمانی که هنوز از تحریم خبری نبود، نسبت به شکل‌گیری بحران اقتصادی در آینده نزدیک به دولت هشدار داده بودند که متأسفانه مورد توجه قرار نگرفت. حسین راغفر یکی از این اقتصاددانان است که در این باره می‌گوید: «مساله تحریم می‌تواند در به وجود آمدن این شرایط موثر باشد، اما سهم آن یقیناً کمتر از ۱۵ درصد است. آن هم تحریم‌هایی که از قبل ادامه داشته و تحریم جدیدی هنوز اعمال نشده و تا بازگشت تحریم‌های ثانویه هم فرصت باقی است. مضافاً این که با حصول برجام هم اتفاق بزرگی در حوزه اقتصادی کشور روی نداد. لذا باید ریشه مشکلات را ناشی از رفتارها، تصمیمات و اقدامات غلط عمده و یا سهوی دولت مردان دانست.»

همچنین اسدالله عسگراولادی، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین اظهار کرد: «تحریم‌های خارجی که هنوز نیامده است، چطور عده ای می‌گویند این مشکلات ناشی از تحریم است. به

جرات می‌گویم ۹۰ درصد مشکلات کنونی ناشی از تصمیمات غلط و سوء مدیریت دولت و وزرای اقتصادی آقای روحانی است و تنها ۱۰ درصد مشکلات اقتصادی مربوط به تحریم‌ها است.»  
حجت‌الله عبدالملکی نظریه پرداز اقتصاد مقاومتی نیز بر این باور است که حتی اگر به توافق خوبی هم دست می‌یافتیم حداکثر ۲۰ درصد از مسائل کشور حل می‌شد و ۸۰ درصد مشکلاتی مانند کاهش قدرت خرید و افزایش بیکاری کشور ناشی از سوءمدیریت و کم‌کاری دولت‌هاست.  
بابی توجهی دولت به سیگنال‌هایی که خطر را نزدیک می‌دانستند، از اواخر تابستان و پاییز سال ۹۶ روند آغاز بحران کلید خورد و ابتدا در بازار ارز در قالب نوسانات ممتد و به هم خوردن ثبات بازار خود را نشان داد و سپس به سایر بازارها از جمله مسکن، خودرو، دارو، مواد غذایی و... رسید.



نمودار تغییرات نرخ دلار از دی ۹۶ تا مهر ۹۷ (واحد: تومان)

با این وجود دولتی‌ها هنوز می‌گفتند مشکلی وجود ندارد و افزایش قیمت‌ها حباب است و به زودی اقتصاد به روال طبیعی خود باز خواهد گشت. متأسفانه جدی نگرفتن بحران باعث شد تا برای درمان آن تدبیر اساسی صورت نگیرد تا اینکه اعتراضات مردمی در دی ماه ۹۶ به

وضعیت معیشتی در نقاط مختلف کشور شکل گرفت. هر چند دشمنان تلاش کردند با هدایت این اعتراضات آن را به سمت دیگری هدایت کنند و به اغتشاش تبدیل کنند، اما در واقع ریشه اصلی آن، مشکلات اقتصادی گسترده‌ای بود که دامن گیر اقشار ضعیف و متوسط کشور شده بود. ترکیب افرادی که در این جریان‌ها بودند گواه این واقعیت بود.

پس از این اتفاق دولت به جای تغییر سیاست‌های کلان اقتصادی تلاش کرد تا با هزینه هزاران میلیارد از ذخایر کشور و تزریق پول به بازارها و کنترل دستوری قیمت‌ها، وضعیت را آرام کند که نتیجه‌اش از همان زمان قابل پیش‌بینی بود.

خروج آمریکا از برجام و آغاز تحریم‌های ظالمانه آمریکا در واقع کبریتی بود که در انبار باروت اقتصاد ایران افتاد. این انبار باروت طی سال‌ها مدیریت نادرست اقتصادی شکل گرفته بود و به یک نقدینگی عظیم غیرقابل مهار منجر شده بود و دولت با پول نفت سعی کرده بود آن را کنترل کند اما هر اقتصاددانی می‌داند که این فرآیند پایانی دارد و تا ابد قابل اجرا نیست. در نهایت کار به جایی رسید که دیگر امکانات دولت توان کنترل دستوری قیمت‌ها را نداشت و به جهش شدید قیمت ارز و سقوط ارزش پول ملی به کمتر از یک سوم ارزش آن منجر شد.

ارزهای خارجی همگی چند برابر شدند و با افزایش هزینه واردات کالا و موارد اولیه صنایع تولیدی، قیمت همه کالاها اعم از وارداتی و داخلی رشد کردند. دلار پس از رکورد شکنی‌های پی در پی به کانال ۱۷ هزار تومان رسید و قیمت سکه بهار آزادی تا ۵ میلیون تومان افزایش یافت. با ادامه بی‌ثباتی در بازار برخی برای جلوگیری از زیان و برخی به طمع سود و عده‌ای نیز با تحریکات خارجی شروع به انبار کردن کالاها کردند و عرضه کالا در فروشگاه‌ها کم شد و این مساله نیز به افزایش مضاعف قیمت‌ها دامن زد. تا جایی که قیمت برخی از کالاها که کمترین وابستگی به واردات و نرخ ارز را داشتند تا چند برابر افزایش یافتند و شرایط به گونه‌ای درآمد که اقشار ضعیف برای تهیه مایحتاج اولیه و ضروری زندگی ناتوان شدند. ادامه این شرایط می‌تواند به بحران‌های گسترده اقتصادی و اجتماعی منجر شود و ضروری است تمام نهادهای نظام برای خروج از این وضعیت تلاش کنند.

## ریشه‌های شکل‌گیری آسیب‌های فعلی اقتصاد

آسیب‌های اقتصادی امروز از فردای روی کار آمدن دولت آغاز شد. یعنی درست همان زمانی که ریشه مشکلات داخلی به تحولات خارجی گره زده شد و حساسیت جامعه به تحریم بالا رفت. از سوی دیگر دولت که با شعار کنترل تورم روی کار آمده بود، تصمیم گرفت به جای دست زدن به اصلاح عمیق ساختار اقتصادی، با کنترل نرخ ارز و قیمت‌ها از طریق تزریق درآمدهای نفتی، جلوی افزایش قیمت‌ها را بگیرد و این آغاز تصمیمات غلط اقتصادی دولت بود. دولت برای درمان رکود تورمی اولویت را به کنترل تورم داد و سیاست‌های انقباضی در برخی حوزه‌ها از جمله بخش مسکن و فعالیت‌های عمرانی را در پیش گرفت که نتیجه آن تعمیق رکود در این بخش‌های پیشران اقتصادی، ورشکستگی صنایع تولیدی و افزایش بیکاری بود. افزایش رکود یا به تعبیر بهتر کاهش رونق اقتصادی باعث می‌شود در بلندمدت تولید و عرضه کالاهای استراتژیک کاهش یابد و در نهایت با جهش قیمتی روبرو شود. اتفاقی که به طور خاص برای بازار مسکن رخ داد و امروز با کاهش عرضه در برابر تقاضای واقعی مواجهیم.

در همان زمان کارشناسان هشدار دادند که این سیاست باید پس از ایجاد ثبات در اقتصاد متوقف شود و دولت یک جراحی بزرگ در اقتصاد کشور انجام دهد اما دستاوردهای موقتی در کنترل قیمت‌ها باعث شد که دولتی‌ها فکر تغییر را از سرشان بیرون کنند و همان روند را ادامه دهند. در شرایطی که اختلاف تورم در داخل و خارج از کشور روز به روز فاصله ارزش واقعی ریال و ارزهای خارجی را اضافه می‌کرد، نرخ ارز با کنترل دولت سال‌ها ثابت ماند تا جایی که دیگر کنترل آن ممکن نبود و گرنه تصمیم‌گیران اقتصادی کماکان بر روند اشتباهشان پافشاری می‌کردند.

متأسفانه دولتمردان با نیت سیاسی و به قصد جلب رضایت کوتاه مدت مردم و جذب آرا در انتخابات از تغییرات بزرگ سر باز زدند و با رویکردی محافظه کارانه اشتباهات گذشته را تکرار کردند. البته حساب ویژه‌ای که آن‌ها روی برجام باز کرده بودند نیز بی‌تاثیر نبود و بسیاری در دولت خوشبین بودند برجام با موفقیت اجرا خواهد شد و در کمال تعجب فکر می‌کردند با اجرای برجام بدون تقویت تولید ملی اقتصاد متحول خواهد شد!

در واقع ریشه وضعیت کنونی را باید در رشد پایین تولیدات داخلی، افزایش شدید نقدینگی، کاهش دستوری نرخ سود بانکی، تثبیت غیرمنطقی نرخ ارز و توجه بیش از حد به عوامل خارجی



جستجو کرد که هر کدام به تنهایی می‌توانند قوام اقتصاد را از بین ببرند و آن را با چالش مواجه کنند.

برای بررسی دقیق‌تر ریشه‌های وضع اقتصادی کشور در ادامه به برخی از تصمیمات اقتصادی دولت طی یک سال اخیر می‌پردازیم تا مشخص شود هر کدام از این سیاست‌ها چگونه اقتصاد را به سمت بحران هدایت کردند و در نهایت راهکارهایی برای خروج از آن ارائه خواهد شد.

### رشد کور نقدینگی، محصول نظام بانکی بیمار

دولت روحانی بارها تاکید کرده بود که برای کنترل تورم از پایه پولی و نقدینگی حراست خواهد کرد و بانک مرکزی مستقل از دولت عمل می‌کند، اما به دفعات این مدعا به چالش کشیده شد و خلاف آن عمل کردند. نتیجه آن شد که نقدینگی طی دولت‌های یازدهم و دوازدهم بیش از سه برابر رشد کرد و طبق اطلاعیه اخیر بانک مرکزی رقم آن به بیش از ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان بالغ شده است.



نمودار تغییرات پایه پولی و نقدینگی از سال ۱۳۸۰ (واحد: میلیارد ریال)

این میزان از رشد نقدینگی دو منشا داشت. یکی خلق پول توسط بانک مرکزی در ازای ارزهای بلوکه شده نفتی در حساب‌های خارج از کشور بود و دیگری آنکه برای افزایش قدرت وام‌دهی بانک‌ها، قدرت خلق پول آنها از طریق رشد ضریب فزاینده پولی افزایش پیدا کرد که هر دو عامل به افزایش نقدینگی منجر می‌شود که به گفته اکثر کارشناسان مهم‌ترین عامل جهش قیمت‌ها همین رشد بی حساب نقدینگی بوده است.

پس از امضای برجام دولت که کار را یکسره می‌دید و فکر می‌کرد مشکلات بانکی ما با خارج از کشور حل شده است، در ازای درآمدهای نفتی بلوکه شده در خارج از بانک مرکزی ریال دریافت کرد و بانک مرکزی که هیچ استقلالی در برابر تصمیمات دولت نداشت به امید بازگشت دلارهای نفتی در آینده به کشور خلق پول کرد و در اختیار دولت قرار داد. همین مساله باعث شد پایه پولی افزایش یابد بدون آنکه ما به ازایی داشته باشیم.

بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی عامل دیگر خلق پول شد. در گذشته عموماً بدهی دولت به بانک مرکزی و ناتوانی آن در بازگرداندن بدهی‌ها عامل خلق پول می‌شد اما در سال‌های گذشته و خصوصاً در سال ۹۶ با بالا گرفتن بحران نظام بانکی و ورشکستگی چند تعاونی و موسسه مالی و اعتباری، دولت تصمیم گرفت از محل بانک مرکزی این بدهی‌ها را پرداخت کند و برای خلاص شدن از اعتراضات مستمر سپرده‌گذاران راحت‌ترین و بدترین مسیر را انتخاب کرد و جای تعجب دارد که چطور رئیس‌جمهور حل مشکل موسسات مالی و اعتباری را از نقاط برجسته عملکرد سیف معرفی می‌کند! در نتیجه بازپرداخت سپرده‌های این موسسات رقمی بالغ بر یازده و نیم هزار میلیارد تومان به حجم نقدینگی کشور اضافه شد.

افزایش ضریب فزاینده بانک‌ها نیز عامل دیگر افزایش نقدینگی بود. دولت که با چالش رکود و بیکاری در بخش‌های مختلف دست به گریبان بود، برای ایجاد رونق مجوز اعطای تسهیلات بیشتری را به نظام بانکی داد. از سوی دیگر نظارت ضعیف بانک مرکزی باعث شده بود تا بانک‌ها بیش از حد مجاز تسهیلات پرداخت کنند و در تعیین نرخ سود سپرده و تسهیلات نیز قانون را رعایت نکنند و در سال ۹۶ طبق اعلام بانک مرکزی میزان تسهیلات پرداخت شده از طرف بانک‌ها ۱۲ درصد افزایش یافت و به مبلغ ۶۱۳ هزار میلیارد تومان رسید. بانک مرکزی و دولتی‌ها چنان به این آمارها استناد می‌کردند که مشخص بود هیچ تصویری از افزایش سقف تسهیلات دهی بانک‌ها و سرعت گردش پول نداشتند و هر روز جرابد از رقابت بانک‌ها در پیشی گفتن برای پرداخت تسهیلات

خبر می دادند. بانک‌ها با این رویه سرعت گردش پول و ضریب فزاینده را به نحو بی سابقه‌ای افزایش دادند که نتیجه آن تسریع رشد نقدینگی در کشور بود. این وضعیت باعث شد میزان نقدینگی از تولید ناخالص داخلی پیشی بگیرد و کشور را با چالش مواجه کند. نقدینگی بر اساس اعلام رییس کل بانک مرکزی در پایان سال ۹۶ به رقم ۱۵۳۰ هزار میلیارد تومان رسید در حالی که در همین سال میزان اسمی تولید ناخالص داخلی با قیمت جاری ۱۴۸۰ هزار میلیارد تومان بوده است.

نمودار تغییرات ضریب فزاینده یوله، از سال ۱۳۸۰



یک اقتصاددان در این باره می گوید: «این افزایش دو دلیل عمده دارد یکی خلق بی رویه پول که از سوی بانک‌ها صورت گرفت. بانک‌ها بدون حساب و کتاب خلق پول می کنند و این روند بی محابا افزایش می یابد. خلق پول به صورت حسابداری و به عنوان تسهیلات در بانک‌ها انجام می شود و زمانی که این وام‌ها پرداخته نشود به صورت واقعی به افزایش نقدینگی می انجامد. در حال حاضر حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان وام استمتهال شده و مطالبات معوق در سیستم بانکی وجود دارد. این مطالبات دامن اقتصاد ایران را خواهد گرفت.»

شقایق شهری می افزاید: «در روزایی پول در ایران به گونه‌ای منحصر به فرد است. قدرت خلق پول بانک‌ها نه از محل توسعه وام‌دهی و سرمایه‌گذاری‌های جدید، بلکه از محل پرداخت

بهره‌های بالا به سپرده‌ها از طرفی و بدهکارتر شدن بدهکاران به بانک‌ها (بدون پرداخت واقعی) از طرف دیگر در حال کار کردن است. این موضوع در سیاست‌های غلط پولی ریشه دارد که اقتصاد ایران را در دام نرخ بهره فرو برد. نتیجه این شد که رشد نقدینگی با سرعت بیشتر ادامه یافت، اما با کیفیتی بس خطرناک‌تر. دومین علت این حجم نقدینگی را افزایش سرعت گردش پول و افزایش ضریب فزاینده است. درصد رشد ضریب فزاینده در حال حاضر به بالای ۷ درصد رسیده که بالاترین رقم در تاریخ اقتصاد ایران محسوب می‌شود. یعنی به ازای هر تومان پول پر قدرتی که به اقتصاد وارد می‌شود، حجم آن ۷ برابر می‌شود. این شاخص در اقتصاد ایران حدوداً ۵ تا ۵/۵ درصد بوده است. «

### تغییر سه سیاست ارزی طی یک سال!

هر چند افزایش قیمت ارز و سقوط ارزش پول ملی، معلول سیاست‌گذاری‌های کلان غلط دولت است اما اگر جرعه مشکلات اقتصادی اخیر را تصمیمات ارزی دولت بدانیم سخن اشتباهی نگفته‌ایم. به گفته مسعود خوانساری رئیس اتاق تهران در نشست هیات نمایندگان این اتاق، تصمیمات غلط دولت در بخش ارز دلیل نابسامانی‌های اخیر است و دولت با اشتباهات پی در پی در این حوزه باعث شد بی‌ثباتی به بخش‌های مختلف اقتصاد کشور منتقل شود.

اصرار دولت دوازدهم طی یک سال اخیر برای ثابت نگه داشتن نرخ ارز آن هم در شرایطی که دچار تحریم شده‌ایم و با محدودیت منابع مواجه خواهیم بود، اصرار بر مسیر اشتباه بود و همه فعالان اقتصادی می‌دانستند در شرایط کنونی دولت توان و ذخیره پاسخگویی به تمام نیاز جامعه آن هم با ارز ۴۲۰۰ تومانی را ندارد و همین عامل به تشدید بحران دامن زد. وقتی دولتمردان افزایش نرخ ارز را تنها به دلیل دسیسه دشمن می‌دانند، یعنی هیچ تصویری از ریشه واقعی مشکل ندارند و با وجود هشدارهای پی در پی، کوچکترین احتمالی نسبت به وقوع چنین شرایطی نمی‌دادند. با تشدید نوسانات ارز و طلا در زمستان ۹۶ بانک مرکزی اولین برنامه خود را برای کنترل بازار اعلام کرد که شامل سه بخش بود. بر اساس آن برنامه به بانک‌ها اجازه داده شد تا ظرف مدت دو هفته گواهی سپرده ریالی با سود ۲۰ درصدی و سررسید یک ساله منتشر کنند. همچنین بانک‌ها می‌توانستند گواهی سپرده ریالی مبتنی بر ارز با سود ۴ درصد و سررسید یک و دو ساله ارائه دهند. برنامه سوم نیز پیش فروش سکه بهار آزادی بود.



اینفوگرافی تغییرات سیاست ارزی دولت در یک سال اخیر

هر چند این برنامه‌ها نشان می‌داد بانک مرکزی متوجه شده خروج نقدینگی از بانک‌ها در نتیجه کاهش سود بانکی، یکی از عوامل تشدید تلاطمات اقتصادی است اما بسته‌های پیشنهادی در آن شرایط پاسخگوی نیاز مردم نبود و صاحبان سرمایه همچنان سرمایه گذاری در بازار ارز و طلا را برای حفظ ارزش دارایی‌هایشان مناسب‌تر می‌دیدند. به همین دلیل پس از مدت کوتاهی نوسانات از سر گرفته شد و سیاست بانک مرکزی برای کنترل جهش نرخ ارز و طلا با شکست مواجه شد.

با آغاز سال ۹۷ و زمزمه‌های خروج آمریکا از برجام تحرکات تازه‌ای در بازار ارز و طلا رخ داد و دولت که در صدد پایان دادن به این وضعیت بود تصمیم گرفت نرخ ارز را یکسان کند و جهانگیری در ابلاغیه‌ای شبانه با تحکم و جدیت اعلام کرد از فردای آن روز نرخ دلار در بازار ۴۲۰۰ تومان

خواهد بود و هر میزان دلار که مورد نیاز مردم باشد توسط دولت با همین نرخ تامین خواهد شد. با این اقدام دولت قصد داشت این اطمینان را به مردم بدهد که هیچ‌گونه کمبود ذخایر ارزی در کشور وجود ندارد و از سوی دیگر از سوء استفاده سوداگران جلوگیری کند اما به دلیل محاسبات غلط این سیاست نیز شکست خورد.

جهانگیری در بیستم فروردین در پایان جلسه فوق العاده ستاد اقتصادی دولت برای مدیریت بازار ارز اینگونه اظهار نظر کرد: «دولت مصمم است به مردم اطمینان دهد که قادر است اقتصاد کشور را با ثبات، با اطمینان و قابل پیش‌بینی اداره کند، به همین دلیل تصمیم گرفتیم که نرخ دلار از فردا (سه‌شنبه) برای تمام فعالان اقتصادی و برای رفع همه نیازهای قانونی و اداری آنان، نیازهای خدماتی مسافران، دانشجویان، محققین و دانشمندی که برای کارهای تحقیقاتی خودشان به ارز نیاز دارند، ۴ هزار و ۲۰۰ تومان خواهد بود و با این عدد و رقم ارز به همه نیازهای کشور از طریق بانک مرکزی و صرافی‌ها و بانک‌های تحت کنترل بانک مرکزی ارز پاسخ داده خواهد شد. هیچ نرخ ارزی را با قیمت‌های دیگری به رسمیت نمی‌شناسیم و برای ما هر قیمت ارز غیررسمی دیگری در بازار از فردا به‌عنوان قاچاق تلقی خواهد شد.»

فعالان اقتصادی که از این اقدام عجیب دولت متحیر شده بودند، اعتراض کردند اما گوش دولت بدهکار نبود و در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی به شدت کاهش یافت و رکود سنگین‌تری بر کشور حاکم شد. در مقابل ارز ارزان فضای مناسبی را برای برخورداری از این رانت مهیا کرد و تقاضا برای دریافت ارز بالا رفت. فرصت طلبان در این شرایط ارز را با نرخ دولتی دریافت می‌کردند و کالاهای وارداتی را با قیمت بالا می‌فروختند. عده‌ای نیز ارز دولتی گرفتند و در بازار سیاه عرضه می‌کردند و یک شبه ثروتمند شدند.

علاوه بر تصمیم نادرست دولت در نرخ‌گذاری ارز، تعطیلی صرافی‌ها و بخشنامه‌ای که پیشتر در خصوص ممنوعیت صادرات و واردات طلا صادر شده بود، نیز اشتباهات فاحشی در آن شرایط بودند که کانال‌های تامین ارز در کشور را با مخاطره روبرو می‌کردند. در شرایطی که کشور با تحریم بانکی و محدودیت در جابجایی ارز مواجه است، منطقی است که تمام شیوه‌ها برای جبران محدودیت‌ها بهره‌بریم. همان‌طور که در دوره قبلی تحریم‌ها، از طریق واردات ارز چمدانی و ارتباطات صرافی‌ها با کشورهای همسایه توانستیم بخشی از ارز مورد نیاز کشور را تامین کنیم. این تصمیمات به معنی خودتحریمی و ایجاد محدودیت‌های مضاعف علاوه بر تحریم‌های خارجی بود.

ناکارآمدی ارز تک‌نرخ و اعلام خروج آمریکا از برجام روند صعودی قیمت‌ها را تشدید کرد. دلار هر روز رکورد می‌شکست و گویا کسی جلودار آن نبود. لذا بانک مرکزی تصمیم گرفت در تیرماه ۹۷ بازار ثانویه را راه‌اندازی کند و سامانه نیما آغاز به کار کرد. هر چند از مدت‌ها پیشتر کارشناسان تاسیس بازار ثانویه را یکی از راهکارهای اساسی نظام‌دهی به بازار ارز معرفی کرده بودند اما این بازار به دلیل نواقص بسیار از جمله محدودیت عرضه ارز، نتوانست کارکرد خود را داشته باشد و عملاً بسیاری از تقاضاها پاسخ‌گفته نمی‌شد. لذا اقبالی به آن صورت نگرفت و بازار سیاه به موازات بازار اصلی شکل گرفت و حتی ممنوعیت فعالیت صرافان نیز نتوانست از آن جلوگیری کند. کار به جایی رسید که عملاً بسیاری از فعالان اقتصادی از تهیه ارز مورد نیاز خود ناتوان بودند و دلار در خیابان‌ها و سوپرمارکت‌ها خرید و فروش می‌شد.

نهایتاً روحانی تصمیم گرفت تحت فشار مجلس و افکار عمومی عبدالناصر همتی را به جای سیف به ریاست کل بانک مرکزی منصوب کند. در حکم انتصاب همتی این گونه آمده است: «انتظار می‌رود در راستای ایجاد ثبات، آرامش و رونق در اقتصاد کشور، با همکاری و هماهنگی دستگاه‌های ذیربط نسبت به ساماندهی بازار پولی و ارزی و پیگیری اصلاح و اجرای دقیق مقررات نظام بانکی کشور اقدام عاجل و کامل به عمل آوری.»

ده روز پس از روی کار آمدن همتی سومین بسته ارزی دولت ظرف مدت چند ماه ابلاغ شد. این بسته جدید از چند نظر از موارد قبلی بهتر بود و اشتباهات گذشته در آن تکرار نشده بود. نخست آنکه سیاست تعیین نرخ دستوری کنار گذاشته شد و همتی اعلام کرد نرخ توسط بانک مرکزی مشخص نخواهد شد و هر نرخ که در بازار به دست آید ملاک عمل است. بازار ثانویه نیز بهبود یافت و قرار شد تمام ارز حاصل از صادرات در این بازار عرضه شود و واردکنندگان برای تهیه ارز به همین سامانه مراجعه کنند.

همچنین صرافی‌ها بر اساس این ابلاغیه فعالیت‌شان را از سر گرفتند و می‌توانستند ارز خرید و فروش کنند. البته حوزه فعالیت آن‌ها به نسبت گذشته محدودتر شد و تنها می‌توانستند برای تامین مصارف خدماتی و مسافری تامین ارز داشته باشند و واردات و صادرات کالا از طریق سامانه نیما تامین اعتبار می‌شد. بر این اساس دیگر خرید و فروش ارز قاچاق محسوب نمی‌شد. از سوی دیگر ارز ۴۲۰۰ تومانی برای تامین کالاهای اساسی باقی‌مانده همتی وعده داد حداقل تا فروردین ۹۸ این ارز گران نخواهد شد.

لذا در این بسته سه بازار پیش‌بینی شده بود که کارویژه هر کدام به ترتیب تامین ارز کالاهای

اساسی و ضروری، تامین ارز صادرات و واردات کالا و تامین ارز خدماتی و مسافری در نظر گرفته شده بود. با وجود اینکه این بسته ارزی به مراتب مناسب‌تر و کامل‌تر از بسته‌های قبل بود اما چهار مورد را هنوز پیش بینی نکرده بود.

نخست آنکه برای خرید و فروش فیزیکی اسکناس فکری نشده بود و عمده فعالیت دلان از طریق خرید و فروش فیزیکی ارز اتفاق می‌افتاد. مشکل دیگر اینکه برای کانال‌های انتقال ارز به کشور پیش بینی نشده که چگونه ارز مورد نیاز تامین خواهد شد. چالش دیگر نرخ خوراک پتروشیمی‌ها بود که با توجه به بر خورداری آن‌ها از تخفیف و عرضه ارز حاصل از صادرات در سامانه نیما به قیمت بازار یک رانت چند هزار میلیاردی برای آن‌ها ایجاد می‌شود.

و در نهایت مساله آخر نحوه تشخیص کالاهای اساسی است که ملاک و معیاری برای آن تعیین نشده و صرفاً به وزارت صمت سپرده شده است که سابقه خوبی از آن در این بخش سراغ نداریم.

نواقص فوق در کنار فضای روانی جامعه و هجوم نقدینگی به بازار ارز باعث شده که اندکی پس از آرامش بازار ارز باز هم تلاطم به آن بازگردد و روند صعودی قیمت‌ها از سر گرفته شود تا جایی که در حال حاضر دلار در کانال ۱۷ هزار تومان معامله می‌شود.

این نوسانات ارزی آثار بسیار مخربی برای اقتصاد ما داشت و باعث انتقال چالش به سایر بازارها شد. تا جایی که بخشی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی می‌گوید آنقدر در این یک سال بی‌تدبیری در بانک مرکزی صورت گرفت که بیش‌تر از آن مقدور نبود. یکی از شرایطی که به واسطه اشتباهات دولت در این حوزه پیش آمد تجارت چمدانی دلار بود که ماه‌ها ادامه داشت. قاچاق سوخت به کشورهای همسایه مورد دیگری است که کماکان ادامه دارد.

### واردات گسترده و بی‌توجهی به تولید

مواد غذایی، لوازم التحریر، برنج، چای، لامپ، پارچه و پوشاک، بذر و نهاده‌های دامی و کشاورزی، ابریشم، محصولات صنعتی، قیر، میوه، سنگ پا، آب معدنی، عینک، بیسکویت، ادویه، آدامس، انواع نوشیدنی‌ها و... گویا این فهرست پایانی ندارد. فهرست کالاهایی که همگی نمونه‌های داخلی با کیفیت دارند و واردات آن‌ها در سال گذشته بلای جان تولیدکنندگان شده است و سال به سال به جمع تولیدی‌های ورشکسته افزوده می‌شود و دولت هم همچنان



کار خود را می کند.

شعار حمایت از تولید ملی در دهان همه مسئولین دولتی می چرخد اما متأسفانه حداقل باوری به آن وجود ندارد و خود دولت یکی از بزرگترین مشتریان کالاهای خارجی است و با وجود قوانین و مقررات به شیوه های گوناگون آن ها را دور می زند.

خالقی دبیر خانه صنعت، معدن و تجارت تهران گفت: «نیاز مداوم مردم به مصرف کالا موجب شد تا مسئولان همیشه دست به واردات کالا از خارج از کشور بزنند و همین امر تهدید اصلی برای ادامه حیات تولید ملی محسوب می شود. توزیع کالای قاچاق تا حدی در کشور به راحتی صورت می گیرد که شما به راحتی می توانید کالایی را که به صورت غیرقانونی وارد شده، با یک تلفن درب منزل دریافت کنید و هیچگاه بر خورد جدی با ورود و فروش کالاهای قاچاق صورت نگرفته است. با وجود بستر مناسب برای واردات کالا و معضل دامن گیر قاچاق، تولید کننده داخلی چگونه می تواند در بازار کشور جان بگیرد.

دولت به عنوان یکی از مصرف کننده های اصلی کشور باید بداند که چه کالایی در کشور تولید می شود و آیا تولید داخلی می تواند جوابگوی نیازهای بالای دولت باشد در این جهت قانونگذار با قانون حداکثر استفاده از تولید داخلی این تکلیف را به دولت کرد که تأمین نیازهای خود را از کالای ملی تأمین کند.

گاهی اوقات یک اداره یا سازمان دولتی درخواست کالایی را دارد که یک تولید کننده داخلی به تنهایی قادر به تأمین آن نیست در این مواقع مأموران خرید معمولاً اقدام به خرید از شرکت های خارجی می کنند در صورتی که باید با تجمیع دویا چند کارخانه تولید کننده داخلی آن کالا، اقدام به تأمین محصول مورد نیاز خود کند.

ذی حساب ها موظفند تمام خریده ها را چک کنند و بر اساس قانون اگر کالایی استاندارد ملی را نداشت این افراد مجرم شناخته شده و باید پاسخگو باشند، اما متأسفانه این قانون تا کنون به درستی اجرا نشده است. حتی در برخی موارد دیده شده که اداره ها و سازمان های دولتی مناقصاتی را برای خرید یک کالا ترتیب می دهند و در آنجا شرایطی را مطرح می کنند که مخصوص یک کالای خارجی است و یک تولید کننده ایرانی قادر به تأمین تعداد تیراژ مورد نظر آنها نیست و با یک ترفند ساده قانون را دور زده و خرید کالای خارجی را انجام می دهد.»

**آمار مقدماتی مقایسه‌ای صادرات قطعی کالاهای غیر نفتی (بدون احتساب نفت و تجارت چمدانی) و واردات طی سال‌های ۹۶-۱۳۹۵**

فعالیت	سال ۱۳۹۶		سال ۱۳۹۵		درصد تغییرات نسبت به مدت مشابه سال گذشته	
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن	دلار
واردات	۳۸.۸۵۶	۵۴.۴۵۹	۳۳.۳۹۹	۴۳.۶۸۴	۱۶.۳۴	۲۴.۶۷
صادرات	۱۳۲.۸۸۲	۴۶.۹۸۲	۱۲۹.۸۹۲	۴۴.۰۴۲	۲.۳۰	۶.۶۸

**جدول آمار کل واردات و صادرات کشور در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶**

بر اساس آمار گمرک، حجم کل صادرات در سال ۹۶ رقم ۴۷ میلیارد دلار و حجم کل واردات ۵۴ میلیارد دلار بوده که از تراز تجاری منفی هفت میلیارد دلاری حکایت دارد. این حجم از واردات که بسیاری از آن‌ها غیر ضروری و دارای نمونه‌های داخلی هستند نشانه کم توجهی مسئولان به تولید داخل و اقتصاد مقاومتی است. آن هم در شرایطی که در جنگ اقتصادی قرار داریم و باید تا حد امکان از منابع کشور حراست شود و از خروج ارز جلوگیری کنیم.

**میزان واردات به تفکیک پنج کشور عمده طرف معامله طی سال‌های ۹۶-۱۳۹۵**

کشور	سال ۱۳۹۶		سال ۱۳۹۵		درصد تغییرات نسبت به مدت مشابه سال گذشته	
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	سهم وزن	ارزش (میلیون دلار)	سهم ارزش دلاری	وزن
چین	۴۸.۰۹	۱۳.۲۳۶	۱۲.۳۸	۲۴.۲۱	۲۴.۶۲	۸.۰۶
امارات متحده عربی	۶.۹۲۱	۱۰.۰۵۹	۱۷.۸۱	۱۸.۴۷	۱۴.۶۷	۵۴.۷۹
جمهوری کره	۱.۴۹۷	۳.۷۱۹	۳.۸۵	۶.۸۳	۷.۹۲	۰.۷۳
ترکیه	۱.۸۵۳	۳.۲۲۲	۴.۷۷	۵.۹۲	۶.۲۷	۱۳.۸۳
آلمان	۱.۰۵۹	۳.۰۹۴	۲.۷۲	۵.۶۸	۵.۸۱	۹.۰۸
سایر کشورها	۲۲.۷۱۷	۲۱.۱۲۹	۵۸.۴۷	۳۸.۷۹	۶۰.۹۸	۱۱.۵۲
جمع کل	۳۸.۸۵۶	۵۴.۴۵۹	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

**جدول آمار کل واردات کشور به تفکیک مبدا در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶**

واردات گسترده به عنوان یک اقدام آسان در برابر پیچیدگی‌های حمایت از تولید داخلی و مدیریت آن، بسیاری از مواقع انتخابات اول بدنه دستگاه‌های دولتی کشور است و دولت نه تنها از واردات غیرضروری توسط بخش خصوصی جلوگیری نکرده که خودش از واردکنندگان اصلی به شمار می‌آید. به همین دلیل است که شاهد کاهش رونق و بهره‌وری در بخش تولیدی و افزایش آمار بیکاری هستیم.

آفت دیگر کم توجهی به اقتصاد مقاومتی، افزایش وابستگی بنگاه‌های اقتصادی به خارج از کشور بوده است. کشور ما در شرایط عادی قرار ندارد که تصمیم‌گیران اقتصادی بخواهند مبتنی بر شیوه‌های متعارف کشور را اداره کنند. به دلیل دشمنی‌ها و تخاصمات خارجی ما باید به سمتی حرکت کنیم که در حوزه‌های استراتژیک کاملاً خودکفا و مستقل از خارج باشیم و در بزنگاه‌ها دچار نوسان و چالش نشویم. متأسفانه اقتصاد ما طی سالیان گذشته مسیری برعکس را پیموده است و تولیدکنندگان داخلی برای تامین مواد اولیه و دستگاه‌ها و تجهیزات و تکنولوژی تولید وابسته‌تر از گذشته شده‌اند. به همین دلیل است که با نوسانات ارزی و محدودیت‌های ناشی از تحریم خارجی با چالش مواجه می‌شوند.

راغفر در این موضوع خاطرنشان کرد: «اگر تولید در داخل با کمترین وابستگی به ارز داخلی به خصوص دلار ادامه می‌یافت، یقیناً تحریم‌های آمریکا نمی‌توانست فشار چندان جدی بر ایران وارد کند. از این رو شاید کشورهای تحریم‌کننده ایران به فکر تحریم نمی‌افتادند، چرا که تحریم اثربخشی خود را در رابطه با ایران از دست می‌داد. اما زمانی که تولید به شدت آسیب دید و امر واردات به کشور اوج گرفت، یقیناً وابستگی اقتصاد به بازارهای جهانی و دیگر ارزها مانند دلار، زمینه را برای فشار از طریق تحریم و ملتهد کردن بازار فراهم می‌کند. این مساله در دولت دوازدهم نیز ادامه پیدا کرد و ضربه جدی به مدیریت دولت روحانی زده است که احتمالاً می‌تواند سایر وزرای اقتصادی کابینه را هم برکنار کند.»

بی توجهی به نیازها و مطالبات بخش خصوصی نقطه ضعف دیگر دولت طی تصمیمات اقتصادی کلان در دولت دوازدهم بوده است. این بی‌توجهی از سیاست‌های ارزی شروع شد و در محدودیت‌های تجاری، بخشنامه‌های متعدد و دست و پاگیر، مالیات‌ستانی غیرهوشمند، سیاست‌های پولی و مقررات خودتحریم‌کننده ادامه یافت.

غلامحسین شافعی رییس اتاق بازرگانی ایران با انتقاد از این وضعیت گفت: «دولت‌ها طی این مدت به جای اقدامات واقعی، صرفاً ژست‌های توسعه‌خواهی و حمایت از بخش خصوصی را

گرفته‌اند. هنگامی که دولت‌های مختلف از حضور بخش خصوصی در اقتصاد کشور صحبت به میان می‌آورند، منظورشان فقط حضور بخش خصوصی در انجام سرمایه‌گذاری‌ها و ایجاد اشتغال در کشور است اما باید به این نکته توجه داشت که حضور بخش خصوصی در اقتصاد کشور صرفاً با انجام سرمایه‌گذاری‌ها و ایجاد اشتغال به دست نمی‌آید، بلکه بخش خصوصی هم باید در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها و هم در اجرا مشارکت داشته باشد. بنابراین نمی‌شود در امر سیاست‌گذاری از بخش خصوصی نظر خواهی نکرد. حتی در برخی مواقع شاهد این هستیم که تصمیمات وارونه در جهت عکس توسعه کشور گرفته می‌شود. «

### فساد و رانت زمینه‌ساز بحران اقتصادی و اجتماعی است

ظلم علی السویه عین عدالت است! این تعبیری است که برای سیاست‌های توزیعی در یک جامعه تحت محدودیت‌های موجود استفاده می‌شود. به عبارت دیگر بر اساس این اصل وقتی محدودیتی ناشی از شرایط و یا تصمیمات اشتباه ایجاد می‌شود بهتر است در توزیع منابع و فرصت‌ها تا حد امکان برابری رعایت شود و در این صورت گفته می‌شود در حد امکان عدالت رعایت شده است.

در شرایطی که امروز به دلیل سیاست‌گذاری‌های غلط دولتمردان ما دچار چالش‌های اقتصادی و جهش تورمی هستیم، توزیع عادلانه منابع کشور حداقل انتظاری است که مردم می‌توانند از حاکمانشان داشته باشند که اگر این گونه می‌شد تجربه گذشته نشان داده است که مردم اهل صبر و قناعت هستند. اما در شرایطی که مشکلات اقتصادی فشار زیادی به خانواده‌ها وارد کرده است، فساد، رانت و تبعیض غیرقابل تحمل می‌شود.

متأسفانه دولت دوازدهم علی‌رغم حساسیت افکار عمومی و شکل‌گیری پویش‌های ضد فساد همچنان نسبت به آن بی‌تفاوت است و در کنار آن سیاست‌های اقتصادی اشتباه و غیراصولی، فرصتی برای سودجویان و رانت‌خواران مهیا کرده است تا با سوء استفاده از شرایط موجود جیب خود را پر کنند و بر فشار معیشتی مردم اضافه کنند. رانت‌های میلیاردی ارزی، واگذاری‌های غیراصولی، انتصابات جریانی و به دنبال آن واگذاری امتیاز و رشوه مانند آنچه در مجلس شاهد آن بودیم همگی مصادیق این وضعیت هستند.

گسترش رانت و فساد و تبعیض چند پیامد برای کشور دارد. نخست آنکه باعث سرخوردگی و

بی‌اعتمادی و عدم همبستگی مردم با دولت می‌شود و نمود آن در انبار کردن کالاهای ضروری در خانه‌ها و تبدیل ریال به دلار و امثال آن مشخص می‌گردد. در چنین شرایطی دولت به عنوان مرکز اقتدار دچار بحران نفوذ و مشروعیت و اعتبار می‌شود و تصمیمات و درخواست‌هایش از طرف جامعه پس زده خواهد شد که به افزایش بحران و دشوارتر شدن حل آن می‌انجامد.

این بی‌اعتمادی و ناامیدی از اصلاح ساختار، بر فعالان اقتصادی نیز تاثیر می‌گذارد و آن‌ها برای حفظ ارزش دارایی خود و کسب سود ترجیح می‌دهند به جای فعالیت تولیدی، به سمت واسطه‌گری بروند که نتیجه آن تضعیف اقتصاد ملی است. در چنین شرایطی نباید انتظار سرمایه‌گذاری از فعالان داخلی و خارجی داشت.

شافعی رئیس اتاق ایران معتقد است: «رانت و فساد خطر از دست رفتن سرمایه‌های اجتماعی را به دنبال دارد، فساد سازمانی باعث می‌شود تجمع‌گرایی تبدیل به قاعده عمومی و اجتماعی شود و فقر احساسی در جامعه گسترش می‌یابد و احساس فقر خطرناک‌تر از فقر واقعی است. با شروع این نوع از فقر منابع کشور به سمت تولید کالاهای ضروری نخواهد رفت، قیمت‌ها افزایش خواهد یافت و فقر نسبی جامعه شدیدتر و شدیدتر خواهد شد. ما در زمان جنگ تحمیلی منابع کافی و لازم را در اختیار نداشتیم و دچار تحریم بودیم، اما شاهد نابرابری این چنینی نبودیم و احساس امنیت و همبستگی مردم بهتر از حالا بود. فساد کمتر بود و مهمتر اینکه بخش بزرگ‌تری از جامعه در سیاست‌گذاری‌ها و حرکت‌های اجتماعی مشارکت داشتند.»

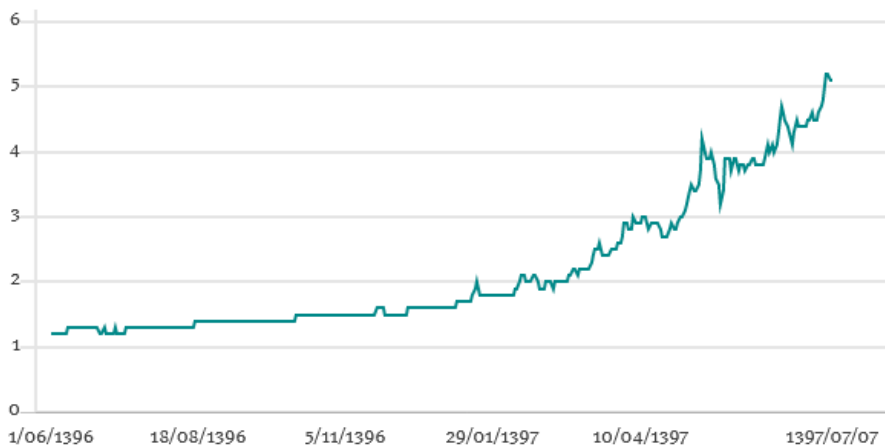
### حکایت غریب پیش فروش سکه

ماجرای پیش فروش سکه از اتفاقات عجیب یک سال گذشته است و جای حیرت و درس گرفتن بسیار دارد. بهمن ماه سال ۹۶ بود که بانک مرکزی اعلام کرد برای تعدیل بازار و تامین تقاضاهای موجود سکه بهار آزادی به میزان نیاز پیش فروش می‌کند و پس از آن بین بهمن ۹۶ تا فروردین ۹۷ بیش از ۷ میلیون و ۶۰۰ هزار قطعه سکه بهار آزادی را پیش فروش کرد.

در آن زمان قیمت سکه بهار آزادی در حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود که به گفته کارشناسان ۲۵۰ هزار تومان حباب داشت و بالای ارزش واقعی آن داد و ستد می‌شد. با این وجود انتقادات بسیاری نسبت به این اقدام بانک مرکزی وجود داشت، چرا که این تقاضاها تقاضای واقعی نبودند و برای حفظ ارزش دارایی‌ها بخشی از نقدینگی مردم به این سمت آمده بود و در

بلند مدت با تغییر شرایط اقتصادی از حجم تقاضا کاسته می‌شد. همچنین بانک مرکزی برای این کار ناچار بود از ذخایر خود هزینه کند.

به هر ترتیب این اقدام انجام شد و پس از تحویل سکه‌های فروخته شده در بازار قیمت سکه به حدود چهار میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسید، یعنی سه برابر قیمت قبلی. هر چند بخشی از این افزایش قیمت ناشی از جهش نرخ دلار در بازار بود اما حبابی که بانک مرکزی برای تخلیه آن سکه پیش فروش کرده بود نیز حدوداً سه برابر شد و به ۶۵۰ هزار تومان رسید.



نمودار تغییرات نرخ سکه بهار آزادی طرح جدید در یک سال اخیر

با این اقدام بانک مرکزی توامان مرتکب چند اشتباه شد. نخست آنکه ۷۰ تن از ذخایر طلای این بانک که در شرایط تحریمی بسیار حیاتی هستند از دست رفت. علاوه بر آن به دلیل تفاوت قیمت سکه‌های فروخته شده و نرخ بازار به ازای هر سکه، رقمی در حدود یک میلیون تومان سود بی‌دردسر عاید خریداران شد. اشتباه سوم نحوه پیش فروش این سکه‌ها بود که به هیچ وجه با منطق تعدیل بازار همخوانی نداشت و از یک فساد گسترده در روند واگذاری‌ها حکایت داشت. درصد بالایی از سکه‌های پیش فروش شده در اختیار چند نفر قرار گرفت که علاوه بر سود چندصد میلیاردي که به جیب زدند قابل پیش بینی بود که این سکه‌ها را احتکار خواهند کرد و خبری از افزایش عرضه در بازار نخواهد بود. تنها یک نفر همان طور که در اخبار آمد، ۳۸ هزار قطعه سکه خریداری کرد!

لطفعلی بخشی، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی در این باره می‌گوید: «تحلیل اشتباه دولت در خصوص سکه و ارز این بود که موضوع را به شکل یک عرضه و تقاضا دید، به این معنی که مازاد تقاضایی برای این دو وجود دارد پس در صورت افزایش عرضه می‌توان شرایط را مدیریت کرد.

اما در وضعیت کنونی طی ماه‌های اخیر دولت هرچه سکه و ارز به بازار تزریق کند در بازار جذب می‌شود، این موضوع هم به این دلیل است که وضعیت نااطمینانی در جامعه رخ داده است. دولت نمی‌تواند یک تصویر روشن از آینده ارائه کند، حتی نمی‌تواند تصویر روشنی از یک ماه آینده بدهد، بنابراین در چنین شرایطی تحلیل اوضاع به این صورت که تزریق سکه و ارز مازاد تقاضا را کاهش خواهد داد، تحلیل اشتباهی است.»

به هر ترتیب حتی اگر این سکه‌ها به درستی هم عرضه می‌شدند باز هم این تصمیم بانک مرکزی قابل دفاع نبود و هیچ ضرورت و نیازی برای عرضه این حجم از طلا در این شرایط و به این شکل وجود نداشت. بماند که نوع واگذاری‌ها اعتماد مردم به نظام بانکی را مخدوش‌تر کرد و آسیب جدی به فعالان این بازار وارد کرد.

حجت اله شفاپی، رییس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان طلا و جواهر در این باره تصریح کرد: «متأسفانه بانک مرکزی در کوتاه مدت سیاست ذخیره سازی را زیر پا گذاشت و به بهانه حراج سکه و تنظیم بازار باعث پیش فروش ۷۰ تن سکه شد. بانک مرکزی صنعت هفت هزار ساله طلا و جواهر را به نابودی کشانده و نیازی به تحریم نداریم چرا که سیاست نادرست بانک مرکزی و عدم فعالیت بخش خصوصی بیشتر از تحریم‌های موجود لطمه بیشتری به ما می‌زند.»

## آغاز بی‌ثباتی با کاهش دستوری سود بانکی

طی هفته‌های گذشته، با توجه به انباشت نقدینگی خنثی نشده، افزایش نرخ تورم مصرف‌کننده و تولیدکننده و وضعیت ملتهب بازار ارز، زمزمه‌هایی به گوش می‌رسد که بانک مرکزی در حال بررسی روش‌های افزایش نرخ سود، برای جلوگیری از انتقال نقدینگی به بازار دارایی است. این گمانه‌زنی‌ها در پی انتقادات کارشناسان نسبت به کاهش دستوری نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات در سال ۹۶ شنیده می‌شود.

اقدامی که به علت کاهش نرخ سود و جذابیت سپرده‌های غیردیداری بانک‌ها، باعث سیال

شدن نقدینگی و افزایش تقاضای دارایی‌ها و کالاها شد و یکی از علل اصلی افزایش قیمت‌ها و تلاطم‌های اقتصادی اخیر دانسته می‌شود.

بانک مرکزی ۳۰ مرداد ماه ۹۶ تصمیم به کاهش نرخ سود سپرده بانکی به سطح ۱۵ درصد گرفت. تصمیمی که یک سال قبل از آن شورای پول و اعتبار اتخاذ کرده بود. در آن بازه به دلیل افزایش نقدینگی ناشی از رقابت بانک‌ها و موسسات در جذب سپرده‌ها و افزایش ضریب فزاینده، برخی از کاهش سود بانکی حمایت می‌کردند اما به عواقب خروج این حجم عظیم از نقدینگی از بانک‌ها توجه نمی‌شد.

درست از همان زمان بود که نوسانات در بازارهای موازی مانند مسکن، بورس، ارز و طلا آغاز شد و به دلیل قدرت نقدشوندگی طلا و ارزهای خارجی و عدم رشد آن‌ها برای چند سال و ارزان بودن نسبت به ارزش واقعی، این بازار بیش از دیگران مورد اقبال قرار گرفت.

تیر ۹۵	تیر ۹۶	تیر ۹۷	درصد تغییر تیر ۹۷ به تیر ۹۶	درصد تغییر تیر ۹۶ به تیر ۹۵
۱۰۸۱۸/۸	۱۳۳۳۷/۴	۱۶۰۲۲/۵	۲۰/۱	۲۳/۳
۱۳۹۴/۵	۱۵۹۵/۱	۲۱۴۹/۱	۳۴/۷	۱۴/۴
۹۴۲۴/۳	۱۱۷۴۲/۳	۱۳۸۷۳/۴	۱۸/۱	۲۴/۶

جدول تغییرات حجم نقدینگی در دو سال گذشته به تفکیک پول و شبه پول (واحد: هزار میلیارد ریال)

طبق آمار بانک مرکزی از وضعیت بدهکاری و بستانکاری بانک‌ها، حجم نقدینگی که در تیر ماه امسال از ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان گذشت، در تیر ۹۶ رقم ۱۳۳۳ هزار میلیارد بوده و رشد ۲۰/۱ درصدی داشته است. در همین بازه سپرده‌های غیردیداری یا شبه پول که نسبت مستقیمی با تورم دارند ۱۸/۱ درصد و حجم پول ۳۴/۷ درصد رشد کرده‌اند. این یعنی آن بخش از نقدینگی که به سرعت می‌تواند به بازارهای دیگر منتقل شود بیش از دوبرابر سپرده‌های غیردیداری رشد داشته است. در چنین شرایطی با هر نوسان اقتصادی این سپرده‌های از بانک خارج می‌شوند و به سمت بازارهای دیگر حرکت می‌کنند. مانند اتفاقی که در ماه‌های گذشته شاهد آن بودیم. مقایسه میزان تغییرات سهم پول و شبه پول در بازه‌های تیر ۹۵ تا تیر ۹۶ و تیر ۹۶ تا تیر ۹۷



تاثیر کاهش دستوری سود سپرده‌ها را به خوبی نشان می‌دهد. در فاصله تیر ۹۵ تا تیر ۹۶ حجم پول ۱۴/۴ و حجم شبه پول ۲۴/۶ درصد رشد داشته‌اند و میزان رشد شبه پول نزدیک به دو برابر حجم پول بوده است. دقیقاً عکس اتفاقی که در سال بعد رخ داد. سپرده‌های غیردیداری نقش ضدتورمی دارند و با وجود افزایش ضریب فراینده و افزایش سرعت خلق پول، در شرایط نوسانات اقتصادی توصیه می‌شود با ارائه شرایط جذاب از طرف بانک‌ها، سرمایه‌ها به این سمت هدایت شوند.

در کنار آن، تغییرات حجم اسکناس در بانک‌ها و در دست مردم نیز همین مسیر را پیموده است. بر اساس آمار بانک مرکزی در شهریور ۹۷ کل حجم اسکناس و سکه موجود در کشور به ۵۶ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان رسیده که ۴۱ هزار و ۵۰۰ میلیارد آن در دست مردم، ۱۰ هزار و ۲۰۰ میلیارد در بانک‌ها و ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد در اختیار بانک مرکزی است اما در شهریور سال قبل کل حجم اسکناس و سکه ۵۱ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان بود که ۳۵ هزار و ۱۰۰ میلیارد در دست مردم، ۱۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد در بانک‌ها و ۶ هزار و ۹۰۰ میلیارد در اختیار بانک مرکزی قرار داشت. با این حساب حجم اسکناس و سکه در دست مردم ۶۴۰۰ میلیارد تومان رشد کرده و این آمار برای بانک‌ها و بانک مرکزی از کاهش ۲۱۰۰ و ۲۴۰۰ میلیاردی خبر می‌دهد. در نهایت می‌توان گفت هم تصمیم آن روز بانک مرکزی در کاهش دستوری نرخ سود اشتباه بود و هم اینکه اگر امروز بدون اصلاح ساختاری نظام بانکی صرفاً به افزایش نرخ سود سپرده‌ها اقدام کند اشتباه کرده است. نظام بانکی کشور به یک جراحی بزرگ نیازمند است و تا زمانی که این اصلاحات انجام نشود شاهد انتقال بحران آن به سایر بخش‌های اقتصاد خواهیم بود.

### اقتصاد پلیسی در مان نیست

با مفسد باید مقابله کرد و آن را طبق قانون با بالاترین مجازات تنبیه کرد. خصوصاً اینکه کشور در شرایط جنگ اقتصادی باشد و عده‌ای به دنبال سوء استفاده از آن بروند. اما این مترادف با اقتصاد پلیسی نیست. دولت باید قبل از هر تصمیمی ابتدا تمام شرایط را به خوبی بسنجد و جوانب مختلف را ببیند و سپس نسبت به تخطی از آن مجازات اعمال کند. وقتی در یک جامعه عموم مردم و فعالان اقتصادی از یک قانون اقتصادی پیروی نمی‌کنند باید به دنبال ایراد قانون گشت نه اینکه چاره را در اقدامات انتظامی یافت.

تصمیمات اشتباه پی در پی دولت در زمینه ارز، طلا، واردات و قوانین گمرکی و موارد دیگر که در بالا آوردیم باعث شد امکان اجرای آن توسط جامعه وجود نداشته باشد و به هر نحوی از آن سرباز بزنند. شاید برجسته‌ترین نمونه‌هایی که در ماه‌های اخیر شاهد آن بودیم قیمت‌گذاری دستوری دولت در ارز و کالاهای مصرفی بود. وزارت صنعت و تعزیرات برای جلوگیری از افزایش نارضایتی عمومی تلاش می‌کردند از افزایش قیمت کالاها جلوگیری کنند در حالی که رشد تورم هزینه‌های تولید و واردات را افزایش داده بود و امکان عرضه کالاها با نرخ‌های قبلی در مواردی وجود نداشت. همین اقدامات غیر اصولی است که به شکل گیری بازار سیاه منجر شد و با بسیاری از کسبه ترجیح دادند واحدهای تجاری خودشان را تعطیل کنند. در نهایت مسئولان نیز به این جمع بندی رسیدند که باید میزانی از رشد قیمت‌ها را به رسمیت بشناسند.

وحید شقاقی، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی می‌گوید: «دولتی‌ها در این چند ماه اقتصاد را تبدیل به یک اقتصاد پلیسی کردند که هنوز هم آن فضای پلیسی وجود دارد. در سال‌هایی که در اقتصاد کار کرده‌ام متوجه شدم اقتصاد پلیسی خودش یک پلیس می‌خواهد، به این معنی که اگر دولت بخواهد اقتصاد را به شکل پلیسی اداره کند می‌بایست یک پلیس دیگر برای مراقبت از پلیس اولیه بگذارد، فهمیدم کنترل و نظارت با نیروی انسانی امکان‌ناپذیر است و سیستم به مشکلات گرفتار می‌شود. با اینکه دولت اقتصاد را پلیسی کرده است، صدا و سیما و سایر رسانه‌ها نیز دچار یک فریب شده‌اند و هر روز گزارش‌های پرطمطراقی منتشر می‌کنند که تعزیرات جلوی احتکار را گرفته است، در حالی که تعزیرات اگر خودش را جمع کند کفایت می‌کند.»

## راهکارها

### اجرای سیاست ارزی شناور مدیریت شده

توان دولت در کنترل بازار ارز محدود است و زمانی که فشار قیمت‌ها از آستانه تحمل بازار عبور کند، قیمت‌ها به صورت جهشی بالا خواهند رفت. همان طور که طی دهه‌های قبل بارها آن را تجربه کردیم و هربار دولت‌ها متوجه شدند که امکان تثبیت نرخ ارز در بلندمدت وجود ندارد اما

باز هم دولت بعدی برای اهداف سیاسی و کسب آرای مردم در انتخابات به سمت نرخ دستوری می‌رود.

کنترل دستوری نرخ ارز علاوه بر آنکه باعث قاچاق کالاهای اساسی به خارج از کشور می‌شود، در بزنگاه‌هایی که اقتصاد با چالشی مواجه می‌شود به ناگاه به جهش نرخ‌ها و تشدید بحران‌ها منجر می‌شود. درست مانند تجربه ماه‌های اخیر که با تحریم‌های آمریکا و عملیات روانی آن‌ها، کنترل نرخ ارز از دست دولت خارج شد. همچنین بی‌ثباتی چند ماهه ناشی از آن باعث کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود.

بهترین شیوه برای مدیریت ارز، همان طور که در برنامه ششم توسعه نیز به دولت تکلیف شده، روش شناور مدیریت شده است که بر اساس آن نرخ مبتنی بر مکانیسم بازار تعیین می‌گردد اما بانک مرکزی از طریق ابزارهای خود به شکل غیرمستقیم از نوسانات شدید و هیجانی بازار جلوگیری می‌کند. در این شیوه مبتنی بر نرخ تورم، نرخ برابری ریال با ارزهای خارجی به صورت واقعی تعیین می‌شود و دیگر جهشی در کار نخواهد بود.

### کاهش وابستگی کشور به دلار

همانطور که در نمودار ذیل مشاهده می‌کنید بیش از ۶۵ درصد ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی در دنیا دلار است و این مسئله نشان‌دهنده قدرت بالای آمریکا در جهان برای نفوذ و اعمال فشار بر اقتصاد کشورهاست.

برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد، با توجه به دشمنی قدیمی و ادامه‌دار آمریکایی‌ها باید در اسرع وقت و تا حد امکان از وابستگی کشور به دلار بکاهیم و برای این منظور چند روش پیش روی دولت‌مدان وجود دارد.

پیمان‌های پولی چند جانبه از جمله شیوه‌های متداول است که کشورهای مستقل مانند چین و روسیه در پیش گرفته‌اند. به نحوی که در مبادلات تجاری‌شان به جای دلار از ارزهای محلی استفاده می‌کنند و راه مداخله و اعمال فشار از طرف آمریکا را می‌بندند. در این روش بانک مرکزی با انعقاد قراردادهایی با شرکای تجاری اصلی به صورت دوجانبه یا چندجانبه این امکان را فراهم می‌کند تا بدون نیاز به دلار کالا و خدمات مبادله شود. بلاک چین‌ها نیز به عنوان بستر تبادلات الکترونیک پولی می‌توانند به این روند کمک کنند.

راهبرد دیگر استقلال حداکثری در تولید، خصوصاً تولید کالاهای استراتژیک است. گاهی اوقات صنایع تولیدی به دلیل کامل نبودن برخی زیرساخت‌ها ترجیح می‌دهند مواد اولیه و برخی قطعات قابل تولید در داخل را از خارج وارد کنند. سهولت، قیمت ارزان‌تر و تکنولوژی بالاتر عموماً دلیل آن است در صورتی که ظرفیت بالقوه خوبی برای تولید در بسیاری از موارد وجود دارد و حتی گاهی با سرمایه‌گذاری می‌توانیم مزیت داشته باشیم. راه افتادن این چرخه به اقدامات تشویقی و مطالعاتی دولت نیازمند است تا برای بخش خصوصی دارای منطق اقتصادی شود. همچنین سیاست‌های تعرفه‌ای نیز می‌تواند مکمل سرمایه‌گذاری داخلی باشد.

### حمایت از تولید ملی

دولت باید در اسرع وقت به یک بانک جامع اطلاعات اقتصادی با محوریت تولید در کشور دست یابد. بر اساس این بانک دولت می‌داند چه میزان کالا در کشور تولید می‌شود و چه کالاهایی نیاز به واردات دارند. در شرایط کنونی باید بدون هیچ تعارفی از واردات کالاهایی که نمونه داخلی دارند با سیاست‌های تعرفه‌ای جلوگیری کند و اگر کسی می‌خواهد کالای خارجی مصرف کند باید عوارض سنگین آن را بپردازد. مسیری که باعث شد کشور ژاپن در مدت کوتاهی ویرانی‌های جنگ جهانی دوم را بازسازی کند و در بین اقتصادهای برتر جهان قرار گیرد. همچنین مبارزه با قاچاق همپای جلوگیری از واردات ضروری است.

از سوی دیگر با ارائه بسته‌های تشویقی شامل یافتن بازارهای صادراتی، تخفیفات گمرکی، تخفیفات تعرفه و عوارض، ارائه تسهیلات برای ارتقای تکنولوژی تولید، تحریک تقاضای کالای داخلی، تامین مواد اولیه، حمایت‌های بیمه‌ای، شفافیت اقتصادی و امثال آن باید نقدینگی سرگردان را به سمت فعالیت‌های مولد جذب کرد.

### افزایش سود سپرده بانکی

افزایش سود بانکی در شرایطی کنونی که به گفته کارشناسان هنوز حجم عظیمی نقدینگی در دست مردم وجود دارد می‌تواند باعث جذب این نقدینگی‌ها و آرامش بازار شود. البته برای جلوگیری از آفات افزایش سود سپرده‌ها نخست باید اصلاحات فوری نظام بانکی در دستور کار

قرار گیرد و جذب سرمایه‌ها در قالب حساب‌های بلند مدت انجام شود. با بسته‌های تشویقی می‌توان این سرمایه‌ها را برای مدت طولانی‌تر در بانک‌ها نگاه داشت و بخش تولیدی کشور را از طریق ارائه تسهیلات برای تامین سرمایه پشتیبانی کرد.

## اصلاح نظام بانکی

متأسفانه دهه‌ها است که نظام بانکی ما با مشکلات ساختاری متعددی درگیر است که در یک دهه اخیر به اوج خود رسید و ورشکستگی موسسات مالی و اعتباری اوج ناکارآمدی این سیستم را نشان داد. در شرایطی که بانک‌ها و موسسات در یک رقابت بی پایان روی افزایش هزینه ورشکستگی برای دولت و حمایت اجباری، حساب باز می‌کنند، خروجی همان چیزی می‌شود که در سال قبل دیدیم.

بنگاه‌داری، ملاکی، سرمایه‌گذاری، بورس بازی، سهام‌داری و فعالیت‌های اقتصادی دیگر که مشخص نیست با کدام مجوز بانک‌ها وارد آن شده‌اند از دیگر آفات نظام اقتصادی کشور است. برای اصلاح این شرایط باید بانک مرکزی با قدرت و وظایف نظارتی و حاکمیتی خود را انجام دهد و در یک زمان معین همه بانک‌ها را به کاهش تعداد شعب، فروش اموال و واگذاری سهام دارایی‌های نامربوط موظف کند.

بنگاه‌داری بانک‌ها در وهله اول باعث ورشکستگی بخش خصوصی به دلیل عدم امکان رقابت با این حجم از سرمایه می‌شود و از سوی دیگر به رقابت بانک‌ها در افزایش سود بانکی برای جذب سرمایه‌های بیشتر منجر می‌شود. همچنین باید بر اجرای صحیح عقود اسلامی توجه بیشتری صورت گیرد و یقیناً در این صورت عمده مشکلات مرتفع خواهند شد.

## راه اندازی دولت الکترونیک و شفافیت تمام اقدامات

افکار عمومی بهترین داور و ناظر است و هیچ دستگاهی نمی‌تواند جای آن را بگیرد. انتشار عمومی تمامی اطلاعات و تصمیمات اقتصادی همه ارگان‌های غیر امنیتی باعث می‌شود امکان تخلف و فساد به حداقل برسد و در نتیجه شفافیت ایجاد شده، بهره‌وری و شایستگی جای رانت و رابطه را خواهد گرفت.

## دیپلماسی اقتصادی فعال

باید دستگاه دیپلماسی کشور وزن بیشتری به اقتصاد دهد و در تعاملات بین‌المللی افزایش مبادلات اقتصادی را در دستور کار خود قرار دهد. برای این منظور حضور وابسته اقتصادی در سفارتخانه‌های ایران در نقاط مختلف جهان ضروری است و در کشورهایی مانند عراق باید یک تیم تخصصی برای مطالعه امکانات اقتصادی و تجاری در نظر گرفته شود و در نهایت فرصت‌ها و اطلاعات به دست آمده از طریق سازمان‌های متولی در اختیار فعالان اقتصادی قرار گیرد. همچنین دستگاه دیپلماسی کشور با معرفی دقیق اقتصاد ایران می‌تواند زمینه جذب سرمایه‌های خارجی را فراهم کند. کشور چین تجربیات فوق‌العاده‌ای در این زمینه دارد که قابل الگو برداری است.

## استفاده بهینه از ظرفیت رسانه‌ها

عملکرد ضعیف دولت در بخش رسانه‌ای باعث شده تا عملیات روانی دشمن در ذهن جامعه بنشیند و به افزایش نارضایتی‌ها و بی‌ثباتی‌ها دامن بزند. در واقع بخش بزرگی از نگرانی‌ها و رفتارهای هیجانی جامعه در خرید و ذخیره کالاها و هجوم به بازارهای ارز و طلا و دارایی، تحت تاثیر تصورات غیر واقعی و نگرانی ساختگی از آینده است. یک فعالیت رسانه‌ای هوشمند، صادقانه و حرفه‌ای قطعاً به آرامش بازار کمک می‌کند.

## برخورد سریع و قاطع با مفسدان

بازدارندگی مجازات همیشه در میزان وقوع آن موثر است. وقتی هزینه عبور از چراغ قرمز آنقدر بالا می‌رود که متخلف را به شدت به زحمت می‌اندازد، میزان وقوع آن به شدت کاهش خواهد یافت، تجربه‌ای که در سالیان اخیر شاهد آن بودیم. لذا باید بازدارندگی مجازات مفسد اقتصادی نیز کاملاً بالا باشد. برای این منظور سرعت و دقت در رسیدگی به جرایم اقتصادی و بالا بردن درصد کشف تخلفات از طریق هوشمندسازی سیستم‌ها بسیار مهم است. همچنین باید نتایج این رسیدگی‌ها به اطلاع عموم برسد تا دلگرمی برای مردم باشد.

